

نامه پشمین

های، بُردو

ترجمه عظمی عدل (نایبی)

پیشگفتار از دکتر حامد فدایی

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: بوردو، هانری، ۱۹۶۳-۱۸۷۰ م

Bordeaux, Henry

عنوان و نام پدیدآور: جامعه پشمین / هانری بوردو

ترجمه عظمی عدل (نقیسی)

مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص شابک: ۸-۲۹-۶۰۸۲-۶۰۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

La robe de Lain, 1929

یادداشت: عنوان اصلی:

موضوع: داستان های فرانسه، قرن ۲۰ French Fiction, 20 Century

شناسه افزوده: عدل، عظمی (نقیسی)، ۱۲۹۷، مترجم

رده بندی کنگره: PQ۲۶۰۶/و۴۴ ج ۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۲ کتابشناسی ملی: ۳۹۱۷۷۶۴



نشر: تهران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، پلاک ۱۰، طاق سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

جامه پشمین

هانری بوردو

ترجمه عظمی عدل (نقیسی)

حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی چاپ و صفحه بندی: ایر

چاپ اول: ۱۳۹۵ تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۸-۲۹-۶۰۸۲-۶۰۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-6082-29-8

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

## فهرست مندرجات

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۷   | مقدمه مترجم             |
| ۹   | پیشگفتار                |
| ۱۷  | قسمت اول: دوشیزه بی‌شما |
|     | قسمت دوم                |
| ۵۵  | دفتر اول                |
| ۱۰۷ | دفتر دوم                |
| ۱۸۹ | همه چیز می‌گذرد         |

## مقدمه مترجم

من خزانده و برشن فارسی و فرانسه را هم زمان در مدرسه ژاندارک تهران آموختم.

در دوران خردسالی من جز کتاب موش و گربه عبید زاکانی کتاب ویژه‌ای برای کودکان وجود نداشت. ده ساله بودم که پدرم چند جلد از آثار خانم کنتس دوسگور را برایم سریداری داد. تخصص آن بانوی فرانسوی نگارش داستان برای خردسالان بود.

من به حدی مجذوب داستان‌های او شدم که تصمیم گرفتم یکی از آنها یعنی فرانسوی‌گوشت را به فارسی ترجمه کنم. پدرم را به خاطر تصمیمی که گرفته بودم مورد تشویق قرار داد و وعده کرد چنانچه ترجمه آن کتاب را به پایان برم، آنرا به خرج خود به چاپ رساند.

واضح است که چنین نویدی برای یک دختر بچه ده ساله تا چه حد هیجان‌انگیز و غرورآفرین است. متأسفانه رؤیای طلای من به حقیقت نپیوست و پیش از آنکه ترجمه فرانسوی گوشت را به اتمام رسانم پدرم به علت بیماری در پاریس درگذشت. با این همه همواره به کار ترجمه علاقه وافر داشتم. زمانی که دوره دبیرستان را طی می‌کردم به توصیه یکی از دبیران راهبه‌ام جامه‌پشمین اثر هانری بُردو را به فارسی ترجمه کردم. این کتاب در سال ۱۳۱۷ش انتشار یافت. به نقل از روزنامه کیهان ۱۳۴۹ش در نمایشگاه کتابی که در همان سال در تهران تشکیل شده بود من به عنوان اولین مترجم زن در ایران شناخته شدم. سال پس از انتشار جامه‌پشمین به همراه مادرم

راهی پاریس شدم و طی اقامتم در آن شهر ترجمهٔ فارسی آن کتاب را به مؤلف آن یعنی هانری بردو تقدیم نمودم. در آن روزگار ایران در مغرب زمین چندان شناخته شده نبود و هانری بردو از اینکه دختری بسیار جوان در سرزمینی دوردست یکی از آثار او را ترجمه کرده است، بسیار شگفت زده و خوشحال شد و مرا مورد تشویق قرار داد و آخرین اثر خود یعنی گرداب را به من اعطاء نمود.

پس از جامهٔ پشمین، ترس از زندگی اثر هانری بردو، ماری دوپلر نوشتهٔ ژرژ ساندر، فصل در شب آلفونس دوده، سرخ و سیاه اثر معروف استاندال و عشق سران نگارش سارسل پرست را به فارسی ترجمه کردم.

پس از سالها وقتی کتاب جامهٔ پشمین را باز کردم و نگاهی بدان افکندم به جای اینکه مانند گذشته از کاری که کرده بودم احساس غرور کنم، جملات آنرا بسیار نارسا و کودکانه تشخیص دادم. طبیعی است که نوشتهٔ یک دختر نوجوان به نظر یک زن بالغ ناقص و نارسا برسد.

از نظر من جامهٔ پشمین به دلیل آنکه اولین کتابی است که به وسیلهٔ یک زن ایرانی ترجمه شده است، در تاریخ ترجمهٔ کشورمان از مکان و مقام ویژه‌ای برخوردار است، به این جهت تصمیم گرفتم پس از بازنویسی آن، آنرا دوباره منتشر سازم.

عظمی عدل (نفیسی)

## پیشگفتار

هائری بُردو، رمان‌نویس فراموش شده

در سال ۱۹۵۰ میلادی، وقتی ژنرال دوگل خاطرات جنگ خود را به پایان رساند، کتاب را به نه سندهای تقدیم کرد که در آن زمان اسم و رسمی داشت: «تقدیم به هائری بردو که آثار آن همواره اندیشه و احساس مرا تغذیه کرد».

تا اواسط قرن بیستم رشته ادبی هائری بردو جزء آثار پرمخاطب بود و برخی از رمان‌های وی بالاتر از نازیم هارنر به چاپ رسید و به چندین زبان نیز ترجمه شد. بردو که طی چهار دهه از رمان‌نویسان مطرح فرانسه بود، امروزه نامی است ناآشنا، به‌ویژه در میان نسل جوان. او کم و بیش فراموش شده و شاید دیگر نتواند اندیشه و احساس خردمندان عصر اینترنت و بلاگ‌نویسی را تغذیه کند. روند پرتلاطم جهان سینما و دگرگونی‌های حاصل از گسترش کهکشان مجازی نوعی ذهنیت پست‌مدرن را شکل داده است که با بافت‌های پیشین همخوانی چندانی ندارد. مناسبات انسان هزاره سوم با فرهنگ کتاب و خواندن و نوشتن تغییر یافته است و انقلاب رایانه‌ای تار و پود جدیدی در منظومه ادبیات می‌بافد و نه تنها رسالت نویسنده و نقش خواننده، بلکه اهمیت زبان و سبک و نیز "لذت بردن از متن" (رولان بارت)<sup>۱</sup> را زیر سلطه اطلاع‌رسانی و تمامیت‌خواهی پیام و تصویر قرار می‌دهد. در برابر این چالش، ناچاریم نگرش و ارزیابی‌های ادبی دیروزمان را به روز کنیم و میان حال، گذشته و آینده گفت و گویی ثمربخش شکل دهیم.

1. Roland Barthes.

اما پیش از اینکه به معرفی مترجم جامه پشمین بپردازیم، نگاهی به سرگذشت و آثار هانری بردو می‌اندازیم. او در خانواده‌ای سنتی و مسیحی پرورش یافت و در شانزده سالگی، پس از اتمام دبیرستان در شهر شامبری<sup>۱</sup>، راهی پاریس می‌شود (۱۸۷۶) و در پایتخت به تحصیل حقوق و ادبیات می‌پردازد. در آن دوران با نویسندگان و شاعرانی مانند آلفونس دوده<sup>۲</sup>، فرانسوا کوپه<sup>۳</sup> و لئون بلوا<sup>۴</sup> آشنا می‌شود. پس از مدتی به زادگاه خود برآورد و در شهر تونون<sup>۵</sup> به کار وکالت و نویسندگی می‌پردازد (۱۸۸۷). آریز، معر بلند او ریه‌کا برنده جایزه آکادمی ساووا می‌شود.

سپس مدتی در روزنامه بیداری ساووا را بر عهده می‌گیرد (۱۸۹۳) و به دفاع از عقاید جمهوری و راه بخشی از بورژوازی سنتی ساووا<sup>۶</sup> می‌پردازد. آرام آرام، این اهل اهل باستان بدست می‌آورد. نخستین اثری که بردو به چاپ می‌رساند روح‌های بدون (۱۸۹۲) نام دارد. مؤلف نسخه‌ای از این کتاب را به نویسنده مورد علاقه‌اش پل برتره<sup>۷</sup> هدیه می‌کند و او در پاسخش می‌نویسد: «مدتی بود که از خواندن کتاب‌ها تا این اندازه لذت نبرده بودم». در میان داستان‌ها و کتاب‌هایی که بردو در دوران جوانی به نگارش درآورد، می‌توان به خاندان روکویلار (۱۹۰۰)، عشقی که می‌گذرد (ترس زیستن (۱۹۰۲)، جامه پشمین (۱۹۱۰)، راه بی‌بازگشت و خانه (۱۹۱۲) اشاره کرد. مجموعه نوشته‌های نویسنده بیش از دویست کتاب است که در زمینه‌های شعر، تاریخ، زبان، داستان‌های پلیسی، داستان کوتاه، زندگی‌نامه، بررسی‌های ادبی، تاریخ، نقد و سفرنامه به نگارش درآمده است. شهرت هانری بردو پس از جنگ جهانی اول شکل می‌گیرد و در سال ۱۹۱۹ او به عضویت آکادمی فرانسه نائل می‌شود. بردو شاهد تحولات جنگ جهانی اول (که در آن شرکت می‌کند) و به واسطه آن جنگ عطا می‌شود) و نهضت‌های اجتماعی سال‌های ۱۹۳۰ و همچنین وقایع جنگ جهانی دوم بود و حوادث و تحولات این دوران را در سطح اجتماعی و سیاسی در آثارش منعکس کرده است. برخی از روایت‌هایش در منطقه ساووا

1. Chambéry.

2. A. Daude.

3. F. Coppée.

4. Léon Bloy.

5. Thonon.

6. Savoie.

7. Paul Bourget.

اتفاق می‌افتد و خواننده را نه تنها با مناظر و رسوم دیارش، بلکه با ارزش‌های فرهنگی و دینی فرانسه سستی آشنا می‌کند. در واقع مانند پل بورژ، بردو نوعی کالبدشکافی اخلاقی انجام می‌دهد و روحیات جامعه شهرستانی را زیر ذره‌بین قلم خود می‌گذارد. گاه فضای نوشته‌هایش نشان‌دهنده نگرش و باورهای خانواده‌اش است. او می‌نویسد: «من به خانواده‌ای تعلق دارم که پیشقراول حزب سلطنتی و محافظه‌کار بود». ولی در آثار بردو تأثیر یک کاتولیک متعهد نیز دیده می‌شود، یعنی او از فقرا و محرومین سخن می‌راند و اشارات به طبقه بورژوا را مدام نکوهش می‌کند. هانری بردو پیش از جنگ جهانی دوم راهی آلمان می‌شود و در آنجا با بصیرت کامل شکل‌گیری آلمان نازی را می‌بیند. در آلمان نگرانی خود را مطرح می‌کند. با این حال، در آغاز جنگ او از مارشال پتن، دوست قدیمی‌اش پیروی می‌کند، ولی به‌مرور موضعی متضاد اتخاذ می‌کند و در سال ۱۹۴۲ به ژنرال دوگل می‌پیوندد.

پس از جنگ، محاکمات طرفداران مارشال پتن آغاز می‌شود و هانری بردو که انسانی بود اهل وفاداری و دوستی، در سال ۱۹۴۵ از رفیق قدیمی خود شارل موراس<sup>۱</sup> نویسنده نامی و سابق پلیست افراطی جانانه دفاع می‌کند و مانع اعدام وی می‌شود. او در نوری در پایان دوره راه (۱۹۱۸) مجدداً به گذشته خود می‌نگرد و به شخصیت‌های گوناگونی که در ترجمه و افکار آن دوران تأثیر داشتند می‌پردازد. از سال ۱۹۵۱، بردو نگارش خاطراتش را آغاز می‌کند و در ۱۹۵۹ تجربه طولانی خود در آکادمی فرانسه را به رشته تحریر می‌آورد. در سال ۱۹۶۳، هانری بردو در نود سالگی می‌میرد و در قریستان شامبری به خاک سپرده می‌شود.

جامه‌پنجمین از مشهورترین نوشته‌های هانری بردو است که خانم نفیسی آن را به فارسی برگرداندند. چند نکته در مورد تدوین ترجمه حاضر یادآور می‌شویم: به گفته مترجم، او این کتاب را در دوران نوجوانی ترجمه کرده و در سال ۱۳۱۷ به چاپ رسانده است. پس از مکاتبه با نویسنده اثر، خانم عدل نفیسی موفق شده هانری بردو را در پاریس ملاقات کند و از تشویق او نیز

برخوردار شود. مدتی بعد خانم عدل (نفیسی) ترسستن بردو را ترجمه و چاپ می‌کند. البته در فهرست کتابخانه ملی تاریخ ثبت جامهٔ پشمین سال ۱۳۳۰ است و نه ۱۳۱۷. شاید تاریخ ۱۳۳۰ مربوط به چاپ دوم اثر بود (از دیرباز فضای نشر کشور آشفتگی داشته‌ا)، ولی از نظر مترجم متن بازبینی شده حاضر چاپ دوم کتاب است. به هر تقدیر، خانم عظمی عدل (نفیسی) نخستین مترجم آثار هانری بردو است و ایشان نه تنها در معرفی ادب و فرهنگ فرانسه پیشکسوت بوده، بلکه اولین زن مترجم ایران معاصر است. بدو، تردید هانری بردو در تاریخ ادبیات قرن بیستم فرانسه جایگاه شاخصی دارد، ولی نقش و تأثیر ادبی او در حد و اندازهٔ بزرگانی چون پروست، سلین یا آراکون نیست.

او را می‌توان با بورژوازی پاریس بورژوازی مقایسه و ارزیابی کرد. اما همان‌طور که پیشتر گفتیم، بردو چندین دههٔ زمان نویسی نامدار باقی ماند و در میان محافل بورژوازی و اقدار، محاطهٔ کار با کتابخوانان ملی - مذهبی دارای محبوبیت بود. ولی پس از پایان جنگ در دههٔ جهانی آثارش کمتر توجه خوانندگان فرانسوی را جلب کرد، احتمالاً به این دلیل که نوشته‌ها و اندیشه‌های سنتی بردو (استوار بر دین، خانواده و وطن) - یگر با زمانهٔ همسویی نداشت و خواننده (به‌ویژه جوان) دنیای عینی، خیالی - آرمانی خویش را در آینهٔ سنتی داستان و روایت‌های او نمی‌دید یا به شکلی ناراضی در نتیجه، ارتباط میان نویسنده و مخاطب چندان برقرار نشد و رزق ادبی هانری بردو تداوم پیدا نکرد.

مسئلهٔ پیچیدهٔ درخشش و کسوف نویسندگان و نیز سرنوشت آثارشان نیاز به پژوهش ژرفی دارد، ولی در این پیشگفتار لازم است به چند مطلب اشاره کنیم:

۱. باستان‌شناسی فرهنگ و دانش جوامع نشان می‌دهد که از طرفی تعداد محدودی از اهل قلم (نویسنده، شاعر، فیلسوف، دانشمند، مورخ و غیره) در میان مردم عصر خود اسم و رسمی پیدا می‌کنند، از طرف دیگر اسامی آنان به ندرت در حافظهٔ جمعی و تاریخی ملت‌ها ثبت می‌شود. اغلب آنها گمنام می‌مانند یا چندین دهه طرد و به حاشیه اجتماع رانده می‌شوند. در هر دوره،

روند متضاد جامعه و فرهنگ نوعی غربال (یعنی عمل حفظ و حذف کردن) از صافی سیاسی، اخلاقی، عقیدتی و هنری انجام می‌دهد که در مطرح شدن یا نشدن آن نویسنده یا اثر نقش دارد. شهرت و عدم شهرت نویسندگان و ماندگاری و ناماندگاری آثارشان پژوهاک تحول تاریخ و جدال‌های اجتماعی و ادبی است.

۲. نویسنده‌ای را می‌بینیم که در دوران زندگی و حیات خود گمنام مانده یا طرد شده است. اما پس از مرگش شناخته می‌شود. مثلاً مارکی دوساد<sup>۱</sup> یا لوتر آرن<sup>۲</sup> که هر دو گمنام، تنها و ناکام زیستند و مدت‌ها پس از وفاتشان، یعنی در قرن بیستم، به همت سوررنالیست‌ها کشف و مشهور شدند. شاید بتوان گفت که سیر نویسنده‌ای به لحاظی "زودرس" یا پیش‌تاز بوده و به علت ناهمخوانی نوشته‌هایش با زمانه چوب عصر خود را می‌خورد؛ بیشتر معاصرانش آثارش را درست درک نمی‌کنند یا آنها را ناپسند و خطرناک می‌پندارند. نیچه که در آنست اندیشه‌اش خلاف زمان<sup>۳</sup> است، متعقد بود که آثارش پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده نخواهند شد.

۳. با تغییر معیار و ارزش‌گذاری‌ها در جامعه، متون و کارهای اهل قلم مفهوم و تفسیری جدید پیدا می‌کنند. اثری که زمانی ناپسند یا خطرناک محسوب می‌شدند، مورد تأیید و تجلیل قرار می‌گیرند. مثلاً برخی از نوشته‌های اسپینوزا<sup>۴</sup> (هلند)، ولتر<sup>۵</sup>، فلور، بول، آراگون<sup>۶</sup> (فرانسه)، د. ه. لارنس<sup>۷</sup>، جیمز جویس<sup>۸</sup> (انگلستان)، حلاج و سهروردی (ایران)، مارکس، نیچه و فروید (آلمان) که دیروز ضد اخلاقی یا خلاف دین، نظام و باورهای موجود ارزیابی می‌شدند، امروز جز آثار جاز و کلاسیک قرار دارند.

۴. می‌گویند که برخی از نویسندگان با آثارشان دفن می‌شوند، یعنی پس از مرگ مؤلف نوشته‌هایش نیز "مرده" محسوب می‌شوند و کسی دیگر به آنها توجه نمی‌کند. زیرا مضامین، عقاید یا پردازش ادبی و سبک به کار رفته تنها پاسخگو و باب طبع عصر نویسنده بوده و بس. چون مخاطب اصلی نویسنده

1. Marquis de Sade.

2. Lautréamont.

3. Unzeitgeimas/inactuel.

4. Spinoza.

5. Voltaire.

6. Baudelaire.

7. Aragon.

8. D. H. Lawrence.

9. J. Joyce.

معاصران او بوده‌اند و نه آیندگان، متونش حامل پیام و مضمونی برای فردا نبوده‌اند و تنها جذابیتهی در حد زمانه خود داشته‌اند. در نتیجه چنین آثاری همراه نویسنده مرحوم به خاک و فراموشی سپرده می‌شوند.

۵. در این جهان، اهل قلم و آثارشان با چالش زمان نیز روبه رو می‌شوند. بیشتر آثار کشش، تازگی و تأثیر خود را زود از دست می‌دهند و به اصطلاح مانند اغلب آدم‌ها بدپیر می‌شوند. ولی نوشته‌ها و آفرینش‌هایی نیز می‌بینیم که طراوت آغازین خود را حفظ می‌کنند و در فرهنگ محلی، ملی یا جهانی ماندگار می‌مانند. می‌توان گفت آنان رسالت فراتاریخی دارند و با بار جاویدان و ضامن ارلی نمود زمان و مکان را انکار می‌کنند. ادیب هومر، شاعرانه فردوسی یا دیوان حافظ را نتواند شکسپیر نمونه چنین شاهکارهای بشری‌اند.

۶. گاه صاحب اثری (زنده یا مرده) داخل کشور خودش از خاطره مردم محو می‌شود و این نوشته او (یا ترجمه آن) در دیار یا مملکتی دیگر جان و اقبال تازه‌ای به دست می‌آورد. در مورد انتقال ادبی و مهاجرت حیات‌بخش آثار چند نمونه را یادآور می‌شویم:

ترجمه ریاضیات عمر خیام توسط فیثز جرالده<sup>۱</sup> نه تنها موجب شهرت جهانی آن عالم نیشابور شد، بلکه چهره فراموش شده خیام شاعر را در میان مردم ایران زمین نیز زنده کرد. چون در شرق تاکنون بیستم خیام بیشتر دانشمند و منجم محسوب می‌شد، تا شاعر و ادیب. در ایران راستا، می‌توان به زندگی دوباره آثار برخی از رمان‌نویسان یا نظریه‌پرداران رانسوی (از روسو<sup>۲</sup> و هوگو<sup>۳</sup> تا سارتر<sup>۴</sup>، فوکو<sup>۵</sup> یا دریدا<sup>۶</sup>) وارد شده به ایران را آمریکا اشاره کرد، چون "فرامرزی شدن" این آثار موجب تجدید آوازه و جان آنان می‌شود. در واقع، ترجمه و بازخوانی متون از طرفی می‌تواند مانع فراموشی آثار گردد، از طرف دیگر، قرائت و تفسیرهای تازه خوانندگان (به قول جوس<sup>۷</sup> و ایزر<sup>۸</sup> یا امبر تواکو<sup>۹</sup>) فهم اثر را غنی‌تر می‌کند، امری که به ماندگاری آن نوشته کمک می‌کند.

1. Fitzgerald 1859.

2. Rousseau.

3. Hugo.

4. Statre.

5. Foucault.

6. Derrida.

7. H. R. Jauss.

8. W. Iser.

9. Umberto Eco.